

عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران

محسن ناییبی*^۱

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>این تحقیق در راستای بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در در کلان شهر تهران انجام شده است. روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق عبارت از کلیه کارکنان سازمان‌های فرهنگی شهر تهران می‌باشند که تعداد آن‌ها حدوداً ۲۵۰۰ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش نمونه‌گیری ساده می‌باشد. از جامعه آماری مذکور با توجه به ضوابط نمونه‌گیری (براساس شیوه نمونه‌گیری مندرج در جدول مورگان (تعداد ۳۰۸ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده و سپس با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته در چهار بعد و ۲۹ گویه تنظیم براساس مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت، و گویه‌های مستخرجه در نمونه آماری تحقیق مورد پرسش قرار گرفته است. در بخش آمار توصیفی نیز، توصیف داده‌ها در دو بخش متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای اصلی ارائه گردیده و در بخش آمار استنباطی، جهت بررسی فرضیه‌ها از آزمون ناپارامتری همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. با توجه به داده‌های تحقیق می‌توان گفت، عوامل فرهنگی (آموزه‌های دینی و اعتقادی، عدالت و برابری اجتماعی، صلح و دوستی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، خود آگاهی) بر توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران اثر مثبت و معنی‌داری دارد.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>شاپا الکترونیکی: ۴۵۶۵-۲۷۸۳</p> <p>شاپا چاپی: ۹۷۷۵-۲۰۰۸</p> <p>واژه‌های کلیدی: فرهنگ، عوامل فرهنگی، رفتار شهروندی اسلامی</p>

لطفاً به این مقاله استناد کنید: ناییبی، محسن. (۱۴۰۱). عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران. مطالعات رفتاری در مدیریت. ۱۳(۳۲). ۶۲-۴۲.



Creative Commons: CC BY 4.0



ایمیل: vahid.h1996@gmail.com

* نویسنده مسؤول: محسن ناییبی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۱. دکتری مدیریت آینده پژوهی از پژوهشگاه شاخص پژوه و مدرس دانشگاه، تهران، ایران

مقدمه

در دهه‌های پایانی قرن بیستم، شهروندی به مثابه‌ی یک حوزه‌ی بنیادین (در ابتدای راه) ظهور کرد؛ حوزه‌ای که تمرکز خود را بر شرایطی که امکان طرح دعاوی جدید را برای حقوق شهروندی، چالش‌ها و نویدهای آن فراهم می‌آورد، قرار دارد. دلایل ظهور مطالعات شهروندی بدون شک با شرایط گسترده‌تری که به عنوان پست مدرنیته شدن و جهانی شدن تعریف می‌شوند و هم‌چنین همراه با مظاهر عینی آن‌ها نظیر قشربندی مجدد طبقات، ظهور دولت‌های بین‌المللی، منطق‌های نوین دولت، نظام‌های نوین انباشت اشکال متفاوت سرمایه، جنبش‌های اجتماعی و تلاش آن‌ها برای به رسمیت شناخته شدن و توزیع مجدد درآمد و ثروت می‌آید. تمایل این دلایل متخصصان دانشگاهی، مدیران اجرایی و فعالان حقوق شهروندی را مجبور به بازاندیشی عامل سیاسی تحت این تحولات کرده است. مباحث اجتماعی عمده، نظیر موقعیت مهاجران، افراد بومی، پناهندگان سیاسی، گروه‌های یهودی، نابرابری-های محیطی و بی‌خانمان بودن و آوارگی به طور فزاینده‌ای از طریق زبان حقوق و تکالیف و در نهایت شهروندی بیان شده‌اند. از این گذشته، نه تنها حقوق و تکالیف شهروندان بازتعریف شده‌اند، بلکه شهروندان و افراد و گروه‌ها می‌توانند چنین حقوق و تکالیفی را که جزء دغدغه‌های مهم آن‌هاست پردازش کنند (نرگسیان، ۱۳۹۳).

شهروند کسی است که برای جامعه تربیت شده و دانش زندگی کردن را در جامعه آموخته باشد و به جامعه اعتقاد پیدا کند. اعتقاد فرد به جامعه او را شهروند تلقی می‌کند (عسکریان، ۱۳۸۵). در واقع، شهروند فردی است که دارای دانش و اطلاعات کافی درباره‌ی اجتماع بوده، نگرش مناسبی نسبت به فضیلت‌های مدنی داشته و مجهز به مهارت‌هایی است که امکان مشارکت وی را در امور و فعالیت‌های اجتماعی فراهم می‌کند (منافی شرف‌آباد و همکاران، ۱۳۹۲). تربیت شهروند مداری در یک جامعه باعث می‌شود که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی بصورت A ملی و جهانی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در سطح جهان بهره‌مند باشند. در واقع تربیت شهروندان در یک جامعه باعث می‌شود که سه عنصر اصلی شهروندی چون «نظام حقوقی»، «حس عضویت ملی» و «حس تعلق و وابستگی اجتماعی» در وضعیت ارتباطات بین فرهنگی هر جامعه‌ای اثرگذار باشد.

شهرهای بزرگ امروزه با مسائل و مشکلات بسیاری مواجه است که چه بخواهیم و چه نخواهیم باید در آن زندگی کنیم، در واقع ما وارث معضلاتی هستیم که خود بر خود تحمیل نمودیم و گریزی از آن نیست. وجود معضل‌های بزرگ شهری مانند ترافیک، رعایت نکردن قوانین عبور و مرور و ... از سوی شهروندان علاوه بر گسترش زمینه‌های بی‌اعتمادی میان شهرنشینان در پاره‌ای مواقع میل به قانون‌گریزی را در جوامع دامن زده است. هر شهری در کنار ساخت فضاها و کالبد شهر، نیازمند برقراری روابط معقول بین محیط طبیعی و فیزیکی با وضع اجتماعی و فرهنگی است، به طور معمول ریشه‌ی بسیاری از بحران‌های بزرگ و زنجیره‌ای را باید در ضعف فرهنگ بومی و محله‌ای دنبال کرد خصوصاً شدن اوقات فراغت، کاهش ارتباط بین افراد و نبود زمان و فرصت کافی برای تخلیه‌ی ناشی از مشکلات در زندگی روزانه گسترش یافته و بر ایجاد تشدید بحران‌های شهری مؤثر واقع شده است. پس لازمه‌ی حل مسائل شهری و بحران‌ها، اصلاح رفتار شهروندان و وجود فرهنگ مناسب شهرنشینی است، دو مقوله‌ای که پایه و اساس پایداری و دوام شهر است. همه‌ی اجزای شهر باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبت اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل و نقل، کالبد شهر و کاربرهای شهری سعی کنند تعادل لازم را به وجود آورند. حال سوالی که ذهن محقق را مدت‌ها به خود مشغول داشته این است که شاخصه‌های فرهنگی شهروند اسلامی-ایرانی در کلان شهر تهران کدامند؟ در پاسخ به

این سؤال اساسی و با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده، به نظر می‌رسد شاخصه‌های فرهنگی شهروند اسلامی شامل ارزش‌های جهان‌شمولی هم‌چون (باوردهای دینی و اعتقادی، عدالت و برابری اجتماعی، صلح و دوستی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، خودآگاهی) در حیطه‌های سه‌گانه: شناختی، نگرشی و مهارتی می‌باشد. که هر یک از شاخصه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز تربیت شهروند اسلامی در جامعه باشند. از طرفی پژوهشگر با توجه به زمینه‌های کاری خود در امور شهری به ویژه شهرداری و با عنایت به بررسی‌های اولیه بر این باور است که متأسفانه شاخصه‌های فرهنگی شهروند اسلامی در کشور از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. به زعم محقق، عوامل فرهنگی می‌توانند بر تربیت شهروند اسلامی تأثیر گذار باشند. این مهم باعث شد تا در یک تحقیق علمی به بررسی و شناسایی این شاخصه‌ها بپردازد. لذا محقق مدل مفهومی اولیه خود را بر این اساس طراحی نموده و در صدد می‌باشد به شناسایی و تبیین شاخصه‌های فرهنگی شهروند اسلامی در کشور بپردازد. در همین راستا پژوهش حاضر در پی آن است تا عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در در کلان شهر تهران را بررسی نماید.

مبانی و چهارچوب نظری تحقیق:

مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی

مفهوم شهروندی را می‌توان جزء مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و توانایی‌های انسان و چگونگی شرکت دادن و سهم کردن او در وضعیت و سرنوشت حیات فردی و اجتماعی متأثر است (قادری، ۱۳۷۹: ۴۶). شهروندی اشاره به زندگی روزمره، فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد اجتماع و هم‌چنین فعالیت‌های اجتماعی ایشان دارد و به طور کلی مجموعه‌ای از رفتار و اعمال افراد است. شهروندی پویا یا شهروندی فعال، در واقع از این نگرش برخاسته است. شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند، برآیند آن‌ها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. مشارکت‌های اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه‌ی شهروندان مؤثر خواهد افتاد نیز چنین است (پهلوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۹). شهروندی مفهومی بسیار گسترده، کلی و عمومی است که سازمان اجتماعی، سازمان سیاسی و سازمان اقتصادی جامعه را به خود معطوف می‌کند. مطالعات متعدد و گسترده در زمینه‌ی شهروندی هم به خوبی نشان می‌دهد که این مفهوم در طول تاریخ و در جوامع مختلف هرگز پدیده‌ای واحد و یکپارچه نبوده است. مفهوم شهروندی در بستر تاریخی- اجتماعی و درون شبکه‌های مفهومی، محتوا و معنای خود را آشکار ساخته و سیر تحولی خود را داشته است. این محتوا و معنا همواره ثابت نبوده و به اعتبار تحولات پدید آمده در جوامع و رویکردهای نظری، دست خوش تغییر شده است. در اغلب این تعاریف، جنبه‌های حقوقی شهروندی مورد تأکید قرار گرفته است. با این همه، تجربه‌ی شهروندی تنها به پایگاه حقوقی فرد بستگی ندارد، بلکه به روابط بین افراد و گروه‌های اجتماعی نیز مربوط است (هاشمی، ۱۳۸۹). گرچه اصطلاح شهروندی به شکل کنونی، مقوله‌ی جدیدی است، اما ماهیت آن، یعنی نحوه‌ی بهره‌مندی اشخاص مختلف در یک جامعه از حقوق، بر حسب نوع وابستگی و پیوند با حکومت، به قدمت تاریخ اسلام سابقه دارد. در مدینه‌النبی، معیار عضویت در جامعه‌ی اسلامی (شهروندی به زبان امروزی) یکی از دو چیز بوده است؛ مسلمان بودن یا پیمان‌پذیر بودن. بدین ترتیب امت مسلمان و امت یهود مدینه، در عین حفظ استقلال جامعه‌ی دینی خود، جامعه‌ی سیاسی واحدی را به وجود می‌آوردند و پیامبر (ص) وحدت دینی را جایگزین وحدت قومی می‌نماید و پیروان سایر ادیان الهی را به شرط پیمان به عضویت جامعه سیاسی در می‌آورد. با نزول آیات سوره توبه و تشریح پیمان ذمه، عضویت قراردادی در جامعه، از یهودیان مدینه فراتر رفته و

سایر اهل کتاب را نیز در بر می‌گیرد و آنان نیز در پرتو پذیرش پیمان ذمه در جامعه‌ی اسلامی و نه امت مسلمان عضویت می‌یابند. هر کس که هیچ یک از این دو شرط نداشت بیگانه (غیر شهروند) تلقی می‌شود. پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) و با گسترش دامنه‌ی فتوحات اسلام و افزایش جمعیت ساکن در قلمرو دولت اسلامی، اعضای جامعه‌ی سیاسی اسلامی - و نه امت مسلمان - بر مبنای یکی از این دو شرط تشخیص داده می‌شد و ویژگی‌های قومی، زبانی، سرزمین و امثال آن، تأثیری نداشت. حتی در زمانی که خلافت اسلامی از سیر صحیح نبوی فاصله گرفت و تبعیض نژادی و قومی بین عرب و عجم پدیدار شد، باز هم این عناصر در تابعیت و عدم تابعیت افراد نسبت به دولت اسلامی نقشی نداشتند. به نظر می‌رسد حضرت علی (ع) در زمانی که معاویه خروج کرد و حکومت مستقلی در ناحیه‌ی شام به وجود آورد و این منطقه را به دارالبغی تبدیل کرد، معاویه و پیروانش را بیگانه تلقی ننمود، بلکه بر اساس ضوابط جنگ با شورشیان داخلی اهل بغی و نه بیگانگان (کفار و مشرکین) با آنان به نبرد پرداخت. مقصود اصلی از تشریح پیمان ذمه ایجاد محیط امن و تفاهم و زندگی مشترک و هم‌زیستی مسالمت آمیز بین فرقه‌های مختلف مذهبی در داخل قلمرو حکومت اسلامی است. فرد و یا جمعیتی که حاضر به امضای پیمان ذمه نباشد باید اجتماع را ترک کند و تحت حمایت کامل دولت اسلامی به سرزمین امن و پناهگاه مورد نظرش اعزام شود و تا زمانی که به جای امن نرسیده است از حمایت همه جانبه‌ی مسلمین برخوردار خواهد بود (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۵۸).

بنابراین به طور اولیه، از نگاه اسلام، تبعه یعنی مسلمان، و غیر مسلمان بیگانه یا خارجی محسوب می‌شود. غیر مسلمان با اجازه‌ی رسمی «امان» یا «زناهار» یا «ذمام» می‌تواند وارد کشور اسلامی شود، تا از آنجا عبور نماید و یا این که موقتاً اقامت نماید. تحقق امان منوط به درخواست بیگانه و قبول آن از سوی حکومت اسلامی و یا فرد مسلمان است و فرد بیگانه پس از کسب امان، «مستأمن» تلقی شده و می‌تواند وارد قلمرو اسلامی شده و از حمایت حکومت اسلامی و حقوق و آزادی‌های ویژه استفاده کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۸: ۹۴). یک دسته از بیگانگان، یعنی اقلیت‌های مذهبی، که منحصراً پیروان ادیان یهودی، مسیحی و یا زردشتی را تشکیل می‌دهند، با پرداخت جزیه و امضای پیمان ذمه با حکومت اسلامی، اجازه‌ی اقامت دائم و بهره‌مندی از حقوق نسبتاً کامل شهروندی را پیدا می‌کنند. در مقایسه می‌توان گفت که اهل ذمه از تمام مزایای مسلمانان در جامعه‌ی اسلامی برخوردار نیستند و دارای محدودیت‌هایی هستند که این محدودیت‌ها باید در پیمان ذمه مندرج بوده و به امضای آنان برسد، مانند عدم تبلیغ مذهبی، عدم تجاهر به منکرات، محدودیت احداث ساختمان بلندتر از خانه‌های مسلمانان و عدم ورود به مساجد و اماکن متبرکه‌ی اسلامی (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۱۳۳). به طور کلی بیگانگان مستأمن در قلمرو کشور اسلامی دارای حقوقی چون: آزادی ورود و اقامت، آزادی انجام فرایض مذهبی، مصونیت از تعرض، آزادی انتخاب اقامتگاه، آزادی تردد در داخل کشور اسلامی به جز اماکن متبرکه مثل منطقه‌ی حجاز (مکه و مدینه)، برخورداری از مقررات مربوط به احوال شخصیه خاص خود (در مورد اهل کتاب)، حق دارا بودن گورستان اختصاصی (در مورد اهل کتاب) و معافیت از پرداخت مالیات هستند (عمید زنجانی، همان: ۱۰۰-۹۸).

می‌توان به یقین گفت: اسلام به عنوان یک دین فراگیر به همه‌ی ابعاد زندگی بشر توجه نموده است، دستورات صریح و شفافی برای روابط اجتماعی انسان‌ها دارد و نه تنها به کمال معنوی انسان‌ها توجه نموده است بلکه به چگونگی ساختن جامعه‌ای نمونه نیز توجه دارد. از جمله مسائل مهم تربیت شهروندی در اسلام توجه به کرامت انسان‌ها به عنوان اشرف مخلوقات، ارزش حیات و زندگی افراد، برابری بدون توجه به نژاد، رنگ، پوست، طبقه، هدفمند نمودن خلقت انسان‌ها و بیهوده نبودن زندگی انسان می‌باشد. مکتب اسلام خواستار شهروندانی متعهد، مسئول در برابر خدا و خلق خدا است، که ضمن احترام به حقوق همه‌ی انسان‌ها از هر نژاد

و عقیده‌ای که باشد در عین حالی که برای رفاه خود و هم‌نوعان تلاش می‌نماید. جامعه‌ی اُمّت، مرکبی است برای سیر مردم به سوی کمال خداگونگی. محور این جامعه، حرکت و پویایی است، نه گذران زندگی روزمره؛ یعنی اگرچه ممکن است در برخی موارد امنیت اقتصاد و رفاه جامعه با چالش و تنش روبه‌رو شود، اما نباید از این تنش‌ها هراسی به خود راه داد و باید آن‌ها را پذیرفت؛ چون حرکت در مسیر مذکور، این اقتضانات را به دنبال دارد (منافی شرف‌آباد، ۱۳۹۱).

عوامل مؤثر بر توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران

۱- آموزه‌های دینی و اعتقادی

دین همزاد انسان است و بشر از آغاز آفرینش خود، نیاز به دین را همواره در خویش می‌یافت و با عطش فطری در پی آن می‌رفت تا با رسیدن به زلال آن، این عطش را برطرف کرده و خود را سیراب کند. از این رو، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان با اینکه در قرون گذشته از انسان به موجود ابزارساز و سیاست‌ورز تعبیر می‌کردند، اما امروزه از او به عنوان موجود دین‌ورز سخن می‌گویند، زیرا محققان در پژوهش‌های خود، هیچ قومی از اقوام بشر را نیافته‌اند که صاحب نوعی دین نبوده باشند. این واقعیت بطلانی بر این نظریه است که با پیشرفت اجتماعی و افزایش رفاه مادی، دین و اندیشه‌های دینی انحطاط می‌یابد. حقیقت این مطلب آن است که انسان دارای سرشت و فطرت دینی است و هویت و بافت وجودی او در متن خلقت با دین عجین شده است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۵: ۱۷). بنابراین، دین خواست و نیاز طبیعی انسان است؛ گرچه ممکن است به شکل موقت از صحنه‌ی زندگی انسان حذف شود، اما سرانجام به آن باز می‌گردد و لزوماً انسان زندگی خود را با آن همگام و هماهنگ می‌کند (جوادی‌آملی، همان: ۱۹).

جهان امروز به علل گوناگون برای پر کردن خلأ معنوی و اخلاقی خود به دین روی آورده است و به دنبال الگویی کام و جامع است که دارای مبانی معرفتی، فرهنگی، اخلاقی، معنوی، انسانی و مبتنی بر حقوق بشر باشد و عدالت اجتماعی و امنیت را برای همه تضمین و مشتاقانه جستجو کند تا از این بحران‌های فکری و معنوی نجات یابد و این وجود، فضایی مناسب برای حامیان پیام دین شمرده می‌شود. از سویی دیگر، با پدیدار شدن آثار جهانی شدن، هویت بشر امروز در معرض تهدید جدی قرار گرفته است. جهانی شدن هویت‌های محلی، بومی و فرهنگی را از هم فرو می‌پوشاند. از این رو، در خلق هویت نوین فرامنطقه‌ای، ملی، زبانی و نژادی نقشی مؤثر ایفا کند (حسینی، ۱۳۹۰: ۴۳).

بدون شک هر جامعه و ملتی احساس نیاز شدید به دین داشته یا دارد و به‌گونه‌ای دین از نیازهای حیاتی هر جامعه‌ای به حساب می‌آید، به طوری که پناهگاه روحی برای انسان بوده و او را از گمراهی در عرصه‌ی زندگی در امان نگه می‌دارد. شهید مطهری در این زمینه معتقد است: «بشر هم از لحاظ شخصی احتیاج به دین دارد و هم از لحاظ اجتماعی نیازمند دین است. همین قدر که ابدیت به فکر بشر می‌آید، به جهان دیگر پیوند پیدا می‌کند. این قدرت فکری و تصویری در او احساسات و تمایلات ابدیت‌خواهی به وجود می‌آورد. پیدایش این گونه تمایلات و خواسته‌های عظیم و تصورات وسیع و گسترده در انسان با ساختمان بدنی و جسمانی محدود و فانی شونده‌ی انسان به هیچ‌وجه جور در نمی‌آید. تنها چیزی که این احساس و این احتیاج را به طور کامل و مطمئن تأمین می‌کند، احساسات و عقاید مذهبی و پرستش است» (مطهری، ۱۳۶۲: ۴۶-۴۴).

به باور پیرسون (۱۹۹۹)، در فرآیند جهانی شدن به دلیل گسترش و بسط کاربرد ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند ماهواره، اینترنت و نظایر آن، وحدت و همگرایی درونی و آیینی جوامع تا حدود زیادی در معرض تهدید جدی قرار گرفته است.

1. Person

در این شرایط مرزهای میان فرهنگ‌ها، به شدت نفوذپذیر شده‌اند و تعاملات فرهنگی توسعه یافته و شناخت ارزش‌ها، آداب و رسوم و سنت‌های سایر ادیان و ملل به وسیله همگان به نحو غیرقابل پیش‌بینی در حال افزایش است (پیرسون، ۱۹۹۹: ۱۳) چراکه به‌رغم شرایط دوران پیشین، عموم افراد در همه‌ی جوامع و در هر جا، در معرض ارزش‌های دینی و فرهنگ‌های غیربومی قرار دارند. این وضعیت به گونه‌ای بسط و گسترش یافته که منجر به پیدایش و طرح نگرش‌های دینی مبتنی بر چشم‌اندازهای فراملی^۱ نیز شده است؛ نگرشی که از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران، رویکردی مبتنی بر «دین جهانی»^۲ نامیده می‌شود. از جمله مهم‌ترین تهدیدها و چالش‌های جهانی شدن، رواج و گسترش تکثرگرایی دینی است. تکثرگرایی با فرآیند سلب تمرکز مذهبی در تربیت دینی موجب تردید در آموزش‌های مطلق‌گرایی و حمایت از نسبی‌گرایی می‌شود. یکی دیگر از این تهدیدها، هجوم به هویت دینی است که فرآیند تربیت دینی در پی تشکیل آن است. این تهدید به دلیل ابزارهایی بدون جهت‌گیری‌های خاص است که پدیده‌ی جهانی شدن برای گسترش خود از آن‌ها سود می‌برد. فرهنگ کنونی حاکم بر انواع ابزارهای ارتباطی نوین برای کاربرانی که بنیه‌ی فکری قابل توجهی نداشته باشند، «هویت‌زا» بوده و «هویت‌ساز» نیست، زیرا ارزش‌های زندگی که دین مطرح می‌کند بر آن حاکم نیست. در واقع، «هویت انسانی» قربانی «هویت ماشینی» شده است (احمدی‌فر و صادق‌زاده قمصری، ۱۳۸۹).

۲- عدالت و برابری اجتماعی

یکی از ویژگی‌های بارز انسان‌ها حس عدالت‌خواهی و عدالت‌طلبی آن‌هاست؛ به طوری که مطالعه‌ی تاریخ نشان می‌دهد، اغلب انقلاب‌ها و تحولات تاریخی با انگیزه‌ی ایجاد عدالت شکل گرفته‌اند. عدالت همواره در همه‌ی جوامع دارای تقدس بوده و آرمانی است که همه‌ی جوامع در جهت تحقق آن به تکاپو مشغول‌اند (آخوندزاده، ۱۳۸۵). بنابراین، عدالت یکی از نخستین آرزوهای بشری برای رسیدن به جامعه‌ی مطلوب بوده و هست؛ بدون حضور آن پایه‌های اجتماع سست می‌شود و در گذر زمان به انحطاط می‌انجامد.

عدالت اساسی‌ترین مفهوم در حقوق انسانی است. عدالت یکی از عالی‌ترین مفاهیم زندگی بشری است، به طوری که می‌توان تصریح کرد: عدالت، فضیلت اولیه و اساسی است تا حدی که انسان‌ها ممکن است در مورد آزادی، رفاه و حتی برابری شک کنند، اما نمی‌توانند به عدالت یا مضمون بودن بی‌عدالتی به مفهوم آن اعتراف کنند. شفاف‌ترین ثمره‌ی عدالت، شکوفایی استعدادها و به کمال رسیدن آن‌هاست؛ زیرا اگر فردی بداند که سعی و کوشش او ضایع نمی‌شود و اگر بلوغ و استعداد خود را آشکار کند، بدون ظلم و بی‌عدالتی، به حق خود می‌رسد؛ او فوراً استعداد خود را به کار می‌گیرد و از هر گونه تلاش و کوششی مضایقه نمی‌کند؛ ولی اگر در جامعه بی‌عدالتی حکمفرما شود، ظلم و بی‌عدالتی جامعه را فرا می‌گیرد و اگر ملاک تقدم، لیاقت و کاردانی نباشد، افراد با حيله و مکر و داشتن روابط با دست‌اندرکاران به مقام خود می‌رسد (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۶).

عدالت، در مفهوم وسیع آن، عبارت از دادن حق صاحبان استحقاق، بدون هیچ تبعیضی میان آن‌هاست. اگر حق هیچ صاحب حقی ادا نشود، برخلاف عدالت است؛ همچنان که اگر تبعیض شده، حق بعضی داده شود و حق بعضی دیگر داده نشود، باز برخلاف عدالت است. عدالت از یک نظر ملازم است با مساوات. مساوات به معنای به همه به چشم مساوی نگرستن و تبعیض قائل نشدن است. لازمه‌ی این گونه مساوت، عدالت است؛ یعنی اینکه به هر کسی هر اندازه استحقاق دارد، به او داده شود. اگر زیاد استحقاق

1. transnational
2. Global religion

دارد، زیاد داده شود و اگر کم استحقاق دارد، کم داده شود و در این جهت تبعیضی صورت نگیرد؛ اما اگر مساوات را مساوات در «اعطا» فرض کنیم که بدون رعایت استحقاق‌ها و درجه‌ی استحقاق‌ها به همه‌ی افراد، برابر یکدیگر داده شود، این گونه مساوات، برخلاف عدالت و ملازم با ظلم است. همچنان که مساوات در منع نیز ظلم است؛ یعنی اینکه همه مانند هم و بدون هیچ تبعیضی نسبت به آنچه استحقاق دارند، محروم و ممنوع بمانند (مطهری، ۱۳۷۸: ۵۳۲).

به باور یونسکو (۱۹۹۹)، عدالت اجتماعی بیانگر نقش حساس و بحرانی کل جامعه، از طریق دولت‌ها در ایجاد جامعه‌ای عادلانه است. بررسی فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فرصتی را برای شهروندان فراهم می‌کند تا تحلیلی آگاهانه و روشن را ارائه دهند و با بررسی این موضوعات و مسائل، از عدالت و برابری آگاهی و شناخت بیشتری پیدا کنند. نمونه‌ای از این موضوعات تأمین خدمات رفاهی، دسترسی برابر به آموزش و پرورش، سیاست‌های اجرایی مثبت برای حمایت از محرومان، فقر، بیکاری، عدالت اجتماعی در کار (به عنوان نمونه، نگرش‌ها در مورد کودکان، استراحت و فراغت)، کار، حقوق و دستمزد برابر و انجمن‌ها و اتحادیه‌های تجاری هستند (یونسکو، ۱۹۹۹).

اگر شهروندانی که در اجتماع گرد هم آمده‌اند، همه به نوعی از تعادل برسند، نخستین زمینه‌های حضور عدالت در جامعه فراهم می‌شود. از همین منظر است که امروزه معمولاً وقتی سخن از عدالت به میان می‌آید، بعد اجتماعی آن بیشتر مورد توجه است. عدالت اجتماعی بیشتر ارزشی است که با فراگیر شدنش در جامعه دارای شرایط و زمینه‌هایی می‌شود که هر صاحب حقی، به حق خود می‌رسد و همه‌ی امور جامعه به تناسب و تعادل در جای شایسته‌ی خود قرار می‌گیرد. این ارزش به میزانی قابل توجه و تأکید بوده که از کهن‌ترین دوران‌ها که قدیمی‌ترین قوانین بشری شکل گرفته‌اند، توجه خاصی به این موضوع داشته‌اند (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۱۳).

۳- صلح و دوستی

در فرهنگ و فقه سیاسی اسلام دو واژه «سلام» و «صلح» از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و بی دلیل نیست که اسلام در روابط بین الملل و پیامبر (ص)، نیز در رسالت و سیاست خویش، اصل همزیستی مسالمت آمیز را به عنوان یکی از مهمترین اصول حاکم بین پیروان خود و مناسبات آنها با سایر ملت‌ها مطرح کرده است، زیرا مقتضای فطرت انسان در مناسبات و روابط خود با هم نوعانش، همزیستی و مسالمت است. از منظر اسلامی، جنگ و ستیز حالت عارضی و موقت و نه طبیعی و دائم دارد (طاهری، ۱۳۹۰).

امروزه در مسائل مختلف اجتماعی و انسانی، آینده و «آینده‌پژوهشی»^۱ به‌ویژه در زمینه‌ی آموزش و تربیت انسان مطلوب آینده، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در مجموعه مطالعات تربیتی یافته است. آینده‌ی ارزش‌های اخلاقی، بحران‌های فرهنگی و اجتماعی محتمل در آینده، تنش‌های جسمانی و انفجار جمعیت، از جمله مواردی هستند که نگرانی بشر را در مورد آینده تشدید می‌کنند و او را به چاره‌جویی‌های اساسی واداشته است. از جمله مسائل مبتلا به بشر امروزی که نیاز به حل و فصل از طریق آموزش برای آینده دارد، موضوع «آموزش صلح»^۲ است. تهدید امنیت جهانی و خطر وقوع جنگ‌های هسته‌ای و خانمان‌سوز در آینده، بیش از پیش توجه مسئولان اجتماعی و تربیتی را به آموزش صلح و ایجاد فرهنگ صلح ترغیب می‌کند. به همین دلیل، آموزش‌های رسمی و غیررسمی، می‌تواند هم شرایط و لوازم بروز جنگ و خشونت را افشا کند و هم راه‌هایی پیشنهاد کند که باعث تعادل این وضعیت و

^۱. futuring study

^۲. peace education

حتی غلبه بر آن می‌شود، آموزش صلح بیانگر نقش و کارکرد آموزش در تغییر صلحجویانه‌ی شرایط جنگ و خشونت به سوی صلح است (ذکاوتی‌قراگزلو، ۱۳۸۱: ۵-۶).

در واقع، صلح، نتیجه و ادامه‌ی یک نظام شهروندی و مردم‌سالار چندجانبی و چندگرایی الهام گرفته از حقوق بشر است که به سوی توسعه و گسترش مداوم و درازمدت سوق داده می‌شود. مردم‌سالاری، بهترین پشتیبان بین‌المللی و ملی صلح است، زیرا تعارض‌ها را در چارچوب یک تشکیلات سازمانی به منظور برخورداری از پویایی اجتماعی و پیشرفت‌های مشترک، جهت می‌بخشد. برای رسیدن به صلح و امنیت جهانی پایدار باید همگان به یک توافق بین‌الذنه‌ی در مورد اموری که صلح و امنیت جهانی را به خطر می‌اندازد، برسند. خوشبختانه نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان، به‌ویژه بین سنین ۱۱ تا ۱۴ سالگی به طور فزاینده‌ای نسبت به مسائل مربوط به صلح و امنیت جهانی، فقر و آلودگی محیط زیست حساس‌اند. به عنوان نمونه، وقتی از آن‌ها در رابطه با جهان کنونی سؤال می‌شود، آن‌ها نگرانی خود را از تخریب لایه‌ی اوزون^۱، گرم شدن زمین^۲، ایدز، نژاد پرستی^۳، تبعیض جنسی^۴، از بین رفتن برخی از گونه‌های گیاهی و جانوری، افزایش خشونت، تروریسم، نسل‌کشی^۵، افزایش جنگ‌افزارهای هسته-ای^۶، آلودگی هوا، آب و خاک^۷ اعلام می‌دارند (فرمینی‌فراهانی، ۱۳۸۹: ۷۱-۷۰).

بر این اساس، سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۰ را به ابتکار یونسکو، «سال جهانی فرهنگ صلح» اعلام کرد و دهه‌ی اول قرن بیست‌ویکم، یعنی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ را دهه‌ی جهانی فرهنگ صلح و عدم خشونت برای کودکان جهان نام‌گذاری کرد. یونسکو در اساسنامه‌اش می‌نویسد: «از آنجا که جنگ‌ها در ذهن انسان‌ها آغاز می‌شوند، دفاع از صلح نیز باید در ذهن آن‌ها ساخته شود». (دانش ۸، ۲۰۰۶). بر اساس این دیدگاه، هدف عمده، تغییر آگاهی انسان است، به طوری که شرایط اجتماعی به سوی عدالت تحول می‌یابد. اگر گذرگاه اصلی صلح اندیشه‌های انسان‌ها باشد، بنابراین منطقی است که آموزش صلح از اهمیت برجسته‌ای برخوردار باشد. بر این اساس، برای گسترش فرهنگ صلح باید تلاشی جهانی برای تغییر شیوه‌ی تفکر و رفتار مردم صورت گیرد. این فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، سنت‌ها و روش‌های رفتاری و سبک زندگی است که بر اصولی از این قرار استوار است:

۱. احترام به زندگی، پایان خشونت و ترویج اعمال صلح‌آمیز از طریق آموزش و گفتگو و همکاری؛
۲. احترام به ترویج تمامی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی؛
۳. احترام به اصول حاکمیت و یکپارچگی ارضی و استقلال سیاسی ملت‌ها و خودداری از دخالت در موضوعاتی که اساساً^۸ درون حاکمیت بومی هر ملت جای دارد و مورد توافق سازمان ملل متحد و قوانین بین‌المللی است؛
۴. تعهد به فصول توافق‌های صلح‌آمیز در کشمکش‌ها؛
۵. تلاش برای یافتن نیازهای زیست‌محیطی و توسعه‌ای نسل حاضر و آینده؛

^۱. ozone layer

^۲. global warming

^۳. terrorism

^۴. sexism

^۵. genocide

^۶. proliferation of nuclear weapons

^۷. poisons in the air, food and water

^۸. Danesh

۶. احترام به ترویج حقوق و فرصت‌های برابر زنان و مردان؛
۷. احترام به ترویج و توسعه‌ی درستی و راستی؛
۸. احترام به ترویج حقوق همه‌ی افراد در آزادی بیان، عقیده و اطلاعات؛
۹. هواخواهی از اصول آزادی، عدالت، دموکراسی، بردباری، همبستگی، همکاری، کثرت‌گرایی، تنوع فرهنگی و گفتگو در تمامی سطوح جامعه (منافی شرف آباد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

۴- مسئولیت‌پذیری اجتماعی

از سایر مؤلفه‌های فرهنگی شهروند اسلامی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. نظام حقوقی اسلام نظامی تکلیف‌گر است؛ به عنوان مثال در متون دینی وقتی صحبت از حق انسان‌ها می‌شود، بحث از حقوقی است که انسان‌های دیگر بر ما دارند و به عبارت دیگر، مسئولیتی که ما در قبال دیگران داریم؛ البته چون این حقوق دو طرفه است، ما نیز حقوقی بر عهده‌ی دیگران داریم؛ البته به دلیل همان بعد سازندگی، تربیت و هدایت که دین اسلام، برای خود قائل است به جنبه‌ی تکلیف، وظیفه و مسئولیت، توجه بیشتری می‌کند. در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی را برای انسان بیان کرده است؛ به عنوان مثال، قبول مسئولیت در قرآن، به بار سنگین تشبیه شده است؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: "وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ... " و هیچ باربردارنده‌ای بار دیگری را بر نمی‌دارد (سوره فاطر، آیه ۱۸). در این آیه وزر به معنای سنگین است و در برخی از تفاسیر به معنای مسئولیت نیز آمده است. خداوند در این آیه ما را به این معنا رهنمون می‌سازد که بار سنگین مسئولیت را احدی جز خود انسان بر دوش نمی‌کشد و در روز رستاخیز هرکس مسئول پاسخ‌گویی به اعمال خویش است. مسئولیت‌پذیری از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از امانت الهی، به همان تعهد و قبول مسئولیت یاد شده است و علت این که این امانت عظیم، به انسان سپرده شد، این بود که او این قابلیت را داشت و می‌توانست ولایت الهی را بپذیرد؛ یعنی در جاده‌ی عبودیت و کمال به سوی معبود لایزال سیر کند. چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: "ما امانت (الهی و بار تکلیف) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند (ولی) انسان آن را برداشت، به راستی او ستمگری نادان بود" (سوره احزاب، آیه ۷۲).

اسلام نه تنها فرد را برای خود و در مقابل خداوند از نظر شخص خود، مسئول و متعهد می‌داند، بلکه فرد را از نظر اجتماع هم مسئول و متعهد می‌داند. انسان موجودی اجتماعی است و در طول زندگی، ناگزیر از معاشرت با دیگران می‌باشد؛ در همین راستا دین مبین اسلام، وظایفی را برای افراد نسبت به یکدیگر تعیین کرده است که همان مسئولیت‌های اجتماعی است. مسئولیت‌پذیری اجتماعی عبارت است از فعالیت‌های داوطلبانه‌ای که شامل مسائل محیطی و اجتماعی، بشردوستانه، فراتر از انتظارات عمل کردن و اتخاذ برنامه‌هایی به منظور مدیریت بهینه منابع انسانی می‌شود ۵ این رویکرد نه تنها نیازهای مشتریان و تمامی ذینفعان سازمان را مورد توجه قرار می‌دهد، بلکه به اصول اخلاقی، اصول انسان دوستانه و نگرانی‌های محیط زیستی نیز توجه خاصی دارد (Turker, 2015). مسئولیت‌پذیری اجتماعی شامل احترام به اشخاص، نهادهای عمومی و محیط زیست است؛ همچنین شامل رفتارهایی است که منطبق با ارزش‌های اخلاقی و مسئولیت‌های قانونی باشد (کاما و همکاران، ۲۰۰۳). در واقع فرد با مسئولیت-پذیری اجتماعی به کسی اطلاق می‌شود که مسئولیت اعمال و رفتار خود را بپذیرد، مورد اعتماد، مستقل، نسبت به گروه وفادار و

^۱. Kama & et al

نسبت به تعهدات خود با احساس وظیفه عمل کند. زندگی در اجتماع و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، دو عنصر از هم جدا نشدنی هستند (ترنر^۱، ۲۰۰۵). مسئولیت‌پذیری را می‌توان در روابط مختلف از جمله، در روابط والدین و فرزندان و بین دوستان و همسایگان و در میان اعضای یک گروه مشاهده کرد. اما تجلی واقعی و نمود مشخص آن را می‌توان در روابط بین‌گروهی و برون-گروهی مشاهده کرد (Carroll, 2010: 44-56)

مسئولیت‌پذیری اجتماعی در هر جامعه‌ای اصل و مبنای مدنی دارد، به گونه‌ای که این امر هنگامی که در شهروندان نهادینه شود، جامعه به سمت کمال و توسعه‌ی پایدار سوق می‌یابد. نهاد حکومت با توجه به قوانین نهادینه شده در جامعه، شهروندان را از همان دوران طفولیت به طور رسمی برای پذیرش وظایف اجتماعی درونی با همکاری سایر نهادها، از جمله آموزش و پرورش آماده کند. بر عهده‌ی نهاد حکومت است تا راهکارهایی را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی در جوانان با ایجاد مشارکت‌جویی در احزاب، ایجاد فرصت‌های اجتماعی برای مشارکت در امر سیاسی و اجتماعی، تشویق و ترغیب جامعه‌ی جوان به شایسته‌سالاری و دوری از تبعیض جنسیتی در امور مشارکت‌پذیر جامعه‌ی مدنی، تقویت انجمن‌های قومی و گروهی، حضور فعال در جامعه‌ی مدنی، رشد انجمن‌های علمی و فرهنگی در بین جوانان، آموزش‌های شهروندمداری و شهروندگرایی برای جوانان و غیره فراهم کند. در واقع، حکومت و دولت نقش بسیاری در اجتماعی شدن سیاسی و مدنی جوانان دارد؛ این اجتماعی شدن را باید در جامعه با ابزار تقویت و گسترش مشارکت‌پذیری در همه‌ی عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی به عنوان یک مسئولیت‌پذیری برای تحکیم و توسعه‌ی پایدار جامعه در نظر گرفت (شریتیان و میامی، ۱۳۹۱: ۶۵-۶۴).

استراتژی مسئولیت اجتماعی باید از سوی مدیران، تدوین، اجرا و راهبری شود و در سطوح سازمانی از بالا به پایین به اجرا برسد. می‌بایست مأموریت، چشم انداز و اهداف سازمان متناسب با استراتژی مسئولیت اجتماعی طراحی و تدوین شود (Husted, 2003, 481-498). یکی از دلایل فقدان دیدگاه استراتژیک نسبت به مسئولیت اجتماعی در درون سازمان‌ها، جهت‌گیری به سمت اهداف کوتاه مدت و صرفاً سودآور است (Skouloudis, Evangelinos, & Nikolaou, 2011, 205-226). سازمان‌ها اغلب، استراتژی مسئولیت اجتماعی را برای عموم ذینفعان توصیف می‌کنند در حالی که درک صحیحی از این استراتژی ندارند. شهرت شرکت ارزیابی عمومی از رفتارهای شرکت در حوزه ذینفعان استراتژیک مسئولیت اجتماعی است (Boubakary, 2016, 162-171).

۵- خودآگاهی

خودآگاهی از دیگر مؤلفه‌های فرهنگی شهروند اسلامی- ایرانی به شمار می‌آید. برای بسیاری از ما توصیف ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مان، کاری سخت و دشوار است. به عنوان نمونه، ممکن است پاسخ به این سؤال که چه کسی هستیم سخت و دشوار باشد. اگر ما فقط در مورد ویژگی‌های عمومی خود، از جمله سن، جنس، تحصیلات و غیره صحبت کنیم، از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری خود اطلاعات کافی نداده‌ایم. به هر حال، رشد خودآگاهی به فرد کمک می‌کند که در یابد تحت استرس قرار دارد یا نه، و این معمولاً پیش‌شرط و حتی شرط ضروری در روابط اجتماعی بین فردی مؤثر و همدلی است (نیک‌پرور، ۱۳۸۳: ۱۶). خودآگاهی عاملی است که موجب می‌شود، افکار ما به توانمندی‌ها و نقاط مثبت مان معطوف شود. به طور کلی، خودآگاهی منشأ رفتارهای سازنده، مفید، مسئولانه و احترام به خود است. در آموزش مهارت‌های شهروندی برای اینکه فرد بتواند از خود، ارزشیابی مثبتی

^۱. Trainer

داشته باشد و خود را با ارزش بدانند، باید از خصوصیات مثبت، توانایی‌ها و استعدادهای خود، آگاه باشد و به آن ارجح گذارد و از این ویژگی‌ها احساس رضایت کند.

خودآگاهی به این معناست که افراد چگونه به خود نگاه کرده و بر اساس این نگاه، چه احساسی پیدا می‌کنند. واداشتن فرد به نگرستن به خود، اولین قدم در جهت آشنایی با جنبه‌های مثبت و منفی است. بهترین روش برای قوی کردن خودآگاهی آن است که افراد یاد بگیرند که از نقاط قوت و توانایی‌های خود استفاده کنند و نقاط ضعف‌شان را بهبود بخشند (طارمیان و همکاران، ۱۳۷۸: ۷). به عبارت دیگر، خودآگاهی، توانایی شناخت خود، آگاهی از خصوصیات، نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها و انزجارهاست. خودآگاهی به فرد کمک می‌کند تا در باید تحت استرس قرار دارد یا نه و این معمولاً پیش شرط و شرط ضروری روابط اجتماعی و روابط بین فردی مؤثر و همدلانه است (نوری، ۱۳۸۳: ۱۰).

بر این اساس، خودآگاهی یعنی شناختی که فرد نسبت به خود به دست می‌آورد. شناخت فرد از خود به دو طریق کسب می‌شود. یکی از طریق مقایسه‌ای که فرد، بین خود و اطرافیان انجام می‌دهد و دیگری از طریق پس‌خوراندهایی که اطرافیان به فرد می‌دهند. به این ترتیب، فرد به احساس خوبی دست پیدا می‌کند و خود را توانا، جذاب و دوست‌داشتنی می‌داند، یا به‌عکس. این توصیف که تداعی‌کننده‌ی توانایی‌های فرد است، خودآگاهی نامیده می‌شود (علوی، ۱۳۸۳). از این رو، این مهارت به فرد کمک می‌کند تا بتواند شناخت بیشتری نسبت به خود، خصوصیات، نیازها، خواسته‌ها، اهداف، نقاط قوت و ضعف، احساسات، ارزش‌ها و بصیرت خود داشته باشد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که ضعف در خودآگاهی با بسیاری از بیماری‌ها و آسیب‌های روانی-اجتماعی همچون افسردگی، اضطراب، احساس حقارت، اعتماد به‌نفس پایین، مشکلات ارتباطی، احساس تنهایی، سوء مصرف مواد، فرار و غیره همراه است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۴).

اجزای مهم خودآگاهی را در مواردی به این ترتیب می‌توان خلاصه کرد:

۱. شناخت ویژگی‌های جسمانی و ظاهری: از عوامل مؤثر در شناخت خود است. هر یک از ما برخی از ویژگی‌های ظاهری خود را مثبت و برخی دیگر را منفی ارزیابی می‌کنیم. برخی را قابل تغییر و برخی را غیرقابل تغییر می‌دانیم.
۲. شناخت توانایی‌ها و مهارت‌های خود: در واقع اشاره به نقاط قوت فرد دارد که این موارد را دربر می‌گیرد:
 - شناخت ویژگی‌های مثبت خود: به طوری که برخی از این ویژگی‌ها آشکار است، آن را می‌شناسیم و برخی دیگر را به خوبی نمی‌شناسیم و باید آن را کشف کنیم و اگر نتوانیم، گاه با مشورت دیگران آن‌ها را بیابیم.
 - شناخت توانمندی‌ها و استعدادهای خود: هر کدام از ما توانایی‌هایی داریم که موجب می‌شود در کارهایی همچون روابط اجتماعی خوب، نقاشی خوب و غیره موفق باشیم.
 - شناخت پیشرفت‌ها و موفقیت‌های خود: منظور پیشرفت و موفقیت در انجام کارهای معمولی زندگی است. هرچه بهتر خود را بپذیریم، خودآگاهی‌مان واقعی‌تر خواهد بود. واقعیت این است که توانایی ما محدود است و همه‌ی انسان‌ها در برخی موارد موفق و در برخی دیگر، ضعیف عمل می‌کنند؛ اما شناخت نقاط ضعف و پذیرش آن‌ها نیز کاملاً ضروری است؛ زیرا با تکیه بر این خودآگاهی می‌توان با موفقیت عمل کرد (کیزکن، ۱۳۷۶).

۳. شناخت افکار و گفتگوهای درونی خود: بسیاری از ما انسان‌ها آنگاه که کاری را به خوبی انجام نمی‌دهیم، از دست خود عصبانی می‌شویم و خود را سرزنش می‌کنیم؛ اغلب در موقعیت‌های مختلف زندگی، ذهن فعال شده و گفتگوی درونی با خود خواهیم

1. World Health Organization

داشت. این گفتگوی با خود می‌تواند منفی باشد، صدمه بزند و ما را در شك و ترس‌هایمان باقی نگه دارد؛ یا این گفتگو می‌تواند مثبت باشد و به ما شهامت بخشیده و تشویق به انجام کارهای جدید کند.

۴. شناخت افکار، باورها و ارزش‌های خود: ما درباره‌ی موضوعات مختلف، ایده‌ها و باورهای خاصی داریم. باورهای ما افکاری است که آن‌ها را صحیح دانسته و بر مبنای آن عمل می‌کنیم. ارزش‌ها ملاک‌هایی است که به وسیله‌ی آن افکار و باورهایمان را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. باورها، ارزش‌ها و به طور کلی نحوه‌ی نگرش ما نسبت به زندگی قابل تغییر است؛ ما می‌توانیم هر کجا لازم باشد در افکار و باورهایمان به اصلاح و تعدیل خود پردازیم.

۵. شناخت اهداف خود: هدف چیزی است که می‌خواهیم به آن برسیم و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی می‌کنیم. هر چقدر شناخت ما از خودمان واقعی‌تر باشد، هدفی را که برای خود برمی‌گزینیم هم واقع‌بینانه‌تر بوده و احتمال دستیابی به آن نیز بیشتر خواهد بود. برای دستیابی به اهداف باید آن را از قالب کلی خارج کرد و هدف خود را جزء جزء کرده و مرحله به مرحله پیش رویم. در طی این مراحل، به توانمندی‌های خود بیشتر آگاه می‌شویم و این آگاهی به ما کمک می‌کند که اشتباهات خود را شناسایی کنیم. به طور کلی مزایای مهارت خودآگاهی برای شهروند به شرح زیر است:

۱. خودآگاهی به فرد کمک می‌کند تا احساسات خود را شناسایی نموده، از آن‌ها آگاه شده و این احساسات را کنترل کند. ناتوانی در کنترل احساسات می‌تواند منجر به بزهکاری، اعتیاد، خشونت، درگیری با دیگران، بدرفتاری با دیگران و به ویژه با کودکان و نوجوانان و غیره شود.

۲. خودآگاهی به فرد کمک می‌کند تا بتواند بر نقاط ضعف و قوت خود آگاهی یافته و با تکیه بر نقاط قوتش، نقاط ضعف خود را کاهش دهد. آگاهی از نقاط ضعف موجب می‌شود که فرد با استفاده از این آگاهی بتواند تسلط بیشتری بر خود داشته باشد.

۳. خودآگاهی به فرد کمک می‌کند تا بتواند از نیازهای خود، آگاه شود و از مسیرهای سالم به رفع نیازهای خود پردازد. با شناخت نیازها، فرد می‌تواند راه و روش بهتری برای تأمین نیازهای خود در نظر بگیرد.

۴. خودآگاهی به فرد کمک می‌کند تا اهداف واقع‌بینانه‌ای برای زندگی خود در نظر بگیرد و به این ترتیب از دنبال کردن اهداف بسیار ایده‌آل، تخیلی و کمال‌گرایانه دوری گزیند. تنظیم اهداف غیرواقع‌بینانه منجر به بروز پیامدهایی چون بزهکاری، ناکامی، خشم و خشونت، خودکشی، بی بندوباری و مانند آن می‌شود.

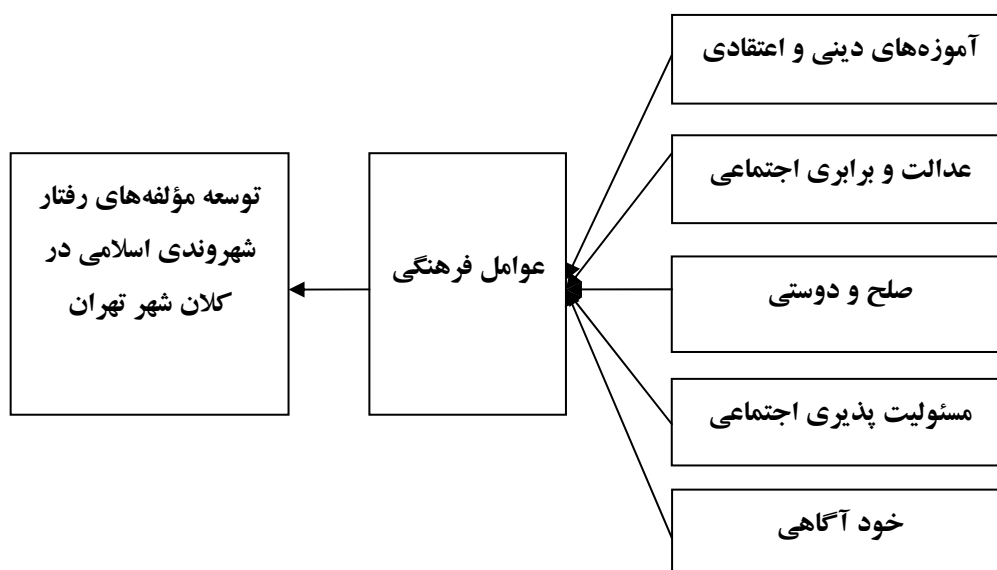
۵. خودآگاهی به فرد کمک می‌کند تا بتواند از ملاک‌های ارزشمند خویش آگاه شود و ارزش خود را در زندگی درک کند. به این ترتیب، فرد از دنبال کردن ارزش‌های کاذب خودداری می‌کند و با رضایت و آرامش بیشتری زندگی خود را سپری می‌کند.

۶. خودآگاهی به فرد کمک می‌کند که فرآیند هویت‌یابی خود را به نحو سالمی به انجام برساند. دستیابی و کسب یک هویت سالم باعث می‌شود زندگی بزرگسالی بر پایه‌های قوی و محکمی بنا شود (موتایی و نوری، ۱۳۸۵).

۲-۵-۳- مدل تحقیق

متغیر مستقل: آموزه‌های دینی و اعتقادی، عدالت و برابری اجتماعی، صلح و دوستی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، خودآگاهی

متغیر وابسته: توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در در کلان شهر تهران



نمودار شماره (۱) مدل تحلیلی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه اصلی:

بین عوامل فرهنگی (آموزه‌های دینی و اعتقادی، عدالت و برابری اجتماعی، صلح و دوستی، مسئولیت پذیری اجتماعی، خود آگاهی) و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- بین آموزه‌های دینی و اعتقادی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد.
- بین عدالت و برابری اجتماعی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد.
- بین صلح و دوستی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد.
- بین مسئولیت پذیری اجتماعی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد.
- بین خود آگاهی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد.

روش تحقیق:

اصولاً با توجه به ماهیت تحقیق و متناسب با موضوع مورد بررسی، روش‌های مختلفی وجود دارد. استفاده از هر یک از روش‌های تحقیق به ماهیت و زمینه تحقیق، فعالیت‌های لازم به نتیجه گیری و میزان مسئولیت محقق در مقابل نتایج و اهداف تحقیق بستگی دارد. با توجه به مسائل مطروحه و مطالعه اسناد و مدارک و همچنین مطالعات تحلیلی در خصوص ادبیات تحقیق، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه‌های اجراء همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق عبارت از کلیه کارکنان سازمان‌های فرهنگی شهر تهران می‌باشند که تعداد آن‌ها حدوداً ۲۵۰۰ نفر می‌باشد. روش نمونه گیری در این پژوهش روش نمونه گیری ساده می‌باشد. از جامعه آماری مذکور با توجه به ضوابط نمونه گیری (براساس شیوه نمونه گیری مندرج در جدول مورگان تعداد ۳۰۸

نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده است. در این تحقیق داده‌های حاصل از گردآوری پرسشنامه‌ها به دو طریق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند: در مرحله نخست داده‌ها به شیوه آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند که در این قسمت از طریق جداول، اشکال و نمودارها و... به توصیف آنها پرداخته می‌شود و در مرحله دیگر به روش تحقیق همبستگی، از طریق آزمون‌های آماری مناسب رابطه عوامل فرهنگی (آموزه‌های دینی و اعتقادی، عدالت و برابری اجتماعی، صلح و دوستی، مسئولیت پذیری اجتماعی، خود آگاهی) و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق

بررسی فرضیه‌های تحقیق

در این بخش با توجه به توزیع داده‌های متغیرهای تحقیق، جهت بررسی فرضیه‌ها از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. آزمون همبستگی اسپیرمن رابطه‌ی میان متغیرها را به صورت دو به دو نشان می‌دهد. برخی از ضرایب در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار هستند (مقدار سطح معناداری کمتر از ۱ درصد می‌باشد) و با علامت (***) مشخص شده‌اند. برخی از ضرایب در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار هستند و با علامت (*) مشخص شده‌اند. ضرایب که علامت خاصی ندارند نیز نشان می‌دهد که بین دو متغیر رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود ندارد. ضریب مثبت نشان دهنده رابطه‌ی مثبت و مستقیم بین دو متغیر می‌باشد و ضریب منفی نشان دهنده رابطه‌ی منفی و عکس بین دو متغیر می‌باشد.

۱- فرضیه اصلی

" بین عوامل فرهنگی (آموزه‌های دینی و اعتقادی، عدالت و برابری اجتماعی، صلح و دوستی، مسئولیت پذیری اجتماعی، خود آگاهی) و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد."

جدول (۱): آزمون همبستگی اسپیرمن فرضیه اصلی

توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی	متغیر	عوامل فرهنگی
**۰/۶۸۳	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	سطح معنی داری	

** P<0.01 * P<0.05

با توجه به جدول ۱ مشاهده می‌شود که مقدار ضریب همبستگی برابر (۰/۶۸۳) r و سطح معنی داری آزمون برابر (۰/۰۰۰) است. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون کمتر از ۰/۰۱ ($\alpha = ۰/۰۱$) است و علامت ضریب همبستگی مثبت می‌باشد، رابطه مثبت و مستقیم در سطح اطمینان ۹۹٪ بین عوامل فرهنگی (آموزه‌های دینی و اعتقادی، عدالت و برابری اجتماعی، صلح و دوستی، مسئولیت پذیری اجتماعی، خود آگاهی) و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد رابطه وجود دارد. فرضیه فوق تأیید می‌شود.

۲- فرضیه فرعی اول

" بین آموزه‌های دینی و اعتقادی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد."

جدول (۲): آزمون همبستگی اسپیرمن فرضیه اول

متغیر	توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی
ضریب همبستگی	۰/۵۷۸**
آموزه‌های دینی و اعتقادی	سطح معنی داری ۰/۰۰۰

** P<0.01 * P<0.05

با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود که مقدار ضریب همبستگی برابر (r = ۰/۵۷۸) و سطح معنی داری آزمون برابر (۰/۰۰۰) است. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون کمتر از ۰/۰۱ (α = ۰/۰۱) است و علامت ضریب همبستگی مثبت می‌باشد، رابطه مثبت و مستقیم در سطح اطمینان ۹۹٪ بین آموزه‌های دینی و اعتقادی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه فوق تأیید می‌شود.

۳- فرضیه فرعی دوم

" بین عدالت و برابری اجتماعی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد."

جدول (۳): آزمون همبستگی اسپیرمن فرضیه دوم

متغیر	توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی
ضریب همبستگی	۰/۳۲۹**
عدالت و برابری اجتماعی	سطح معنی داری ۰/۰۰۰

** P<0.01 * P<0.05

با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌شود که مقدار ضریب همبستگی برابر (r = ۰/۳۲۹) و سطح معنی داری آزمون برابر (۰/۰۰۰) است. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون کمتر از ۰/۰۱ (α = ۰/۰۱) است و علامت ضریب همبستگی مثبت می‌باشد، رابطه مثبت و مستقیم در سطح اطمینان ۹۹٪ بین عدالت و برابری اجتماعی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه فوق تأیید می‌شود.

۴- فرضیه فرعی سوم

" بین صلح و دوستی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد."

جدول (۴): آزمون همبستگی اسپیرمن فرضیه سوم

توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی	متغیر
**۰/۳۷۸ ۰/۰۰۰	ضریب همبستگی سطح معنی داری

** P<0.01 * P<0.05

با توجه به جدول ۴ مشاهده می‌شود که مقدار ضریب همبستگی برابر ($r = 0/378$) و سطح معنی داری آزمون برابر ($0/000$) است. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون کمتر از $0/01$ ($\alpha = 0/01$) است و علامت ضریب همبستگی مثبت می‌باشد، رابطه مثبت و مستقیم در سطح اطمینان ۹۹٪ بین صلح و دوستی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه فوق تأیید می‌شود.

۵- فرضیه فرعی چهارم

"بین مسئولیت پذیری اجتماعی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد."

جدول (۵): آزمون همبستگی اسپیرمن فرضیه چهارم

توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی	متغیر
**۰/۴۲۳ ۰/۰۰۰	ضریب همبستگی سطح معنی داری

** P<0.01 * P<0.05

با توجه به جدول ۵ مشاهده می‌شود که مقدار ضریب همبستگی برابر ($r = 0/423$) و سطح معنی داری آزمون برابر ($0/000$) است. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون کمتر از $0/01$ ($\alpha = 0/01$) است و علامت ضریب همبستگی مثبت می‌باشد، رابطه مثبت و مستقیم در سطح اطمینان ۹۹٪ بین مسئولیت پذیری اجتماعی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه فوق تأیید می‌شود.

۶- فرضیه فرعی پنجم

"بین خود آگاهی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه وجود دارد."

جدول (۶): آزمون همبستگی اسپیرمن فرضیه پنجم

متغیر	توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی
خود آگاهی	ضریب همبستگی
	سطح معنی داری

** P<0.01 * P<0.05

با توجه به جدول ۶ مشاهده می‌شود که مقدار ضریب همبستگی برابر (r = ۰/۳۹۶) و سطح معنی داری آزمون برابر (۰/۰۰۰) است. با توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون کمتر از ۰/۰۱ (α = ۰/۰۱) است و علامت ضریب همبستگی مثبت می‌باشد، رابطه مثبت و مستقیم در سطح اطمینان ۹۹٪ بین خود آگاهی و توسعه مؤلفه‌های رفتار شهروندی اسلامی در کلان شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه فوق تأیید می‌شود.

نتیجه گیری

تربیت شهروندی نوعی سرمایه گذاری برای آینده‌ی مورد نظر کشور در تمامی ابعاد و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی است. فرآیند تربیت شهروندی باید با توجه به مقتضیات هر دوره از جامعه و در پی مطالبات و نیازهای تک تک اعضای آن جامعه صورت پذیرد؛ یعنی اصول و فرآیند تربیت شهروندی از ذات زندگی اجتماعی نشأت می‌گیرد، بنابراین اصول تعریف شده به عنوان واقعیتهای آموزشی و تربیتی مجموعه‌ای از اطلاعات و فعالیت‌های یادگیری هدفمند است که با سنجش حساب شده در جامعه بررسی و تعلیم می‌شود. این اصول و فعالیت‌های هدفمند منجر به ارائه‌ی مهارت‌ها در شهروندان در تمامی عرصه‌های زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی و فنی خواهد شد بدین ترتیب اصول تربیت شهروندی و شهروندمداری در هر جامعه با سیاست، اقتصاد، مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ مرتبط است. بنابراین تربیت شهروندی در عمل وسیله‌ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدفی در زندگی برای اعضای مورد استفاده قرار می‌گیرد که هدف اصلی آن باید درگیر کردن شهروندان در فعالیت‌های مربوط به حوزه‌ی زندگی خود اجتماع باشد (فتحی و علاف‌بهبهانی، ۱۳۹۰: ۱۴۵ و ۱۴۸).

امروزه تداوم حیات و پیشرفت جوامع در گرو وجود شهروندانی فعال، مشارکت‌جو، آگاه و کنش‌گر می‌باشد. با آگاه شدن افراد نسبت به حقوق خویش و به تبع آن استیفای آن حقوق، بالطبع افراد با مسئولیت‌های خود نیز در قبال جامعه و یکدیگر آشنا می‌شوند و بدین وسیله نظم اجتماعی رونق می‌گیرد و به رشدی به خود گرفته و جامعه به جامعه‌ای پویا و فعال تبدیل می‌شود. علاوه بر آن، حل مسائل جامعه و ایجاد تغییر در آنها، تنها از طریق مشارکت فعال اعضای جامعه، عملی است. بدون آگاهی افراد از حقوق شهروندی خود در ابعاد؛ مدنی، سیاسی و اجتماعی، پشتوانه‌ی نظری برای مشارکت فعال در امور جمعی به وجود نخواهد آمد و شهروندان نخواهند توانست خواسته‌های خود را به حاکمیت سیاسی به درستی ابلاغ نمایند. با جدی شدن روند جهانی شدن در دو دهه‌ی اخیر، مسئله‌ی شهروندی به مهم‌ترین مسئله‌ی اجتماعی معاصر تبدیل شده است؛ خصوصاً این که اساس جامعه‌ی مدنی بر محور نهادهای اجتماعی نظام شهروندی شکل گرفته است. از این رو، شالوده‌ی اصلی جامعه‌ی مدنی به مثابه‌ی نظام سیاسی و اجتماعی را نهادهای شهروندی مثل نهاد قانون‌گذاری، نظام حاکمیت سیاسی مردم بر مردم در قالب نظام‌های دموکراسی می‌سازد

و زندگی در جامعه‌ی مدنی نیز، مستلزم یادگیری و آموختن اخلاق مدنی و آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی است، تا ضمن تأمین نیازهای مختلف افراد به گونه‌ای پایدار، روابط اجتماعی پایدار را نیز موجب شود (هاشمی، ۱۳۸۹). بدین ترتیب، در عصر کنونی با توجه به کم‌رنگ شدن مرزهای جغرافیایی، شهروندان نیاز به دانش، اطلاعات، مهارت‌ها و نگرش‌های یکسان و مشترکی دارند که با اتکاء به آن‌ها، قابلیت رویارویی با وضعیت و شرایط جدید را پیدا کنند و از احساس ناکارآمدی به دور باشند.

منابع

منابع فارسی

قرآن مجید

- احمدی‌فر، م و صادق‌زاده قمصری، ع. ر. (۱۳۸۹). چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی تربیت دینی در عصر جهانی شدن. ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۴۵ و ۴۶، مهر و آبان.
- اسماعیلی، ر. (۱۳۹۰). اصل عدالت اجتماعی در مدیریت اسلامی و شاخصه‌های آن، معرفت، سال بیستم، شماره ۱۷۱، اسفند.
- افتخارزاده، ف. (۱۳۸۴). بررسی چارچوب تربیت شهروندی برای قرن ۲۱، نشریه همشهری، نمایه کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- پهلوان، م؛ بابایی‌طلاتیپ، م. ب و آقاجان‌زاده، ر. ا. (۱۳۹۲). بنیان نظری حقوق شهروندی، پژوهش‌نامه ۱۰۷؛ حقوق شهروندی، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۵). دین‌شناسی، قم: مرکز نشر اسراء.
- حسینی، ح. (۱۳۹۰). بررسی چالش‌های تربیت دینی در عصر جهانی شدن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ذکاوتی‌قراگزلو، ع. (۱۳۸۸). آموزش صلح، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری نوروز هنر.
- شربتیان، م. ح و میامی، ح. (۱۳۹۱). تأملی بر فرآیند جامعه‌پذیری مسئولیت اجتماعی جوانان، نشریه مهندسی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۷۳ و ۷۴، بهمن و اسفند.
- ضیائی‌بیگدلی، م. ر. (۱۳۶۸). اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طارمیان، ف؛ ماهجویی، م و فتحی، ط. (۱۳۷۸). مهارت‌های زندگی، راهنمای معلم، تهران: انتشارات تربیت.
- طاهری، نرجس. (۱۳۹۰). تأثیر رفتارهای حمایت‌گرایانه بر ایجاد صلح پایدار منطقه‌ای، مجموعه مقالات پنجمین همایش امام خمینی (ره) و سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- عسکریان، م (۱۳۸۵)، «جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروندی»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم.
- علوی، ک. (۱۳۸۳). بررسی روند تحول قدرت بالقوه خلاقیت کودکان و اثرات آموزش مهارت‌های زندگی در پرورش آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی تربیت مدرس.
- عمید زنجانی، ع. ع. (۱۳۸۴). فقه سیاسی، چ هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فتحی، س و علاف‌بهبهانی، ز. (۱۳۹۰). تحقق شهرداری به عنوان نهاد اجتماعی با تأکید بر آموزش شهروندی، مجموعه مقالات همایش علمی شهرداری به منزله نهاد اجتماعی، جلد پنجم، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران: تیسرا.

- فره‌مبنی‌فراهانی، م. (۱۳۹۳). اخلاق شهروندی: مقوله‌ای بین رشته‌ای، فصلنامه اخلاق و فرهنگ در پرستاری و مامایی، دانشگاه شاهد، دوره اول، شماره ۱، پیاپی ۱، بهار، صص ۹-۲۲.
- قادری، ح (۱۳۷۹)، شهر «شهروند خوب، انسان خوب»، مجله پیام آباد گردان، شماره ۹.
- کیزکن. (۱۳۷۶). آگاهی برتر، ترجمه شهید ارژنگ، تهران: انتشارات البرز، چاپ اول.
- مطهری، م. (۱۳۶۲). امدادهای غیبی در زندگی بشر (خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند)، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۸۵). مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۴، تهران: انتشارات صدرا.
- منافی شرف‌آباد، ک. (۱۳۹۱). تبیین حقوق شهروندی از دیدگاه قرآن، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت شهری در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴، تهران: مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف.
- منافی شرف‌آباد، ک؛ زمانی، ا و مهدوی‌خواه، ع. (۱۳۹۲). تربیت شهروندی، تهران: انتشارات سبزیان گستر.
- منافی شرف‌آباد، ک؛ زمانی، ا و مهدوی‌خواه، ع. (۱۳۹۳). تربیت شهروند جهانی، تهران: مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، چاپ اول.
- منافی شرف‌آباد، ک و زمانی، ا (۱۳۹۱)، شهروندی در گستره جهانی شدن (گذار از شهروند کلاسیک به شهروند جهانی)، مجموعه مقالات کنفرانس علمی-بین‌المللی آموزش و جهانی شدن، تهران: مرکز مطالعات ملی جهانی شدن.
- موتایی، ف و نوری، ر. (۱۳۸۵). مهارت‌های زندگی، تهران: انتشارات طلوع دانش، چاپ دوم.
- نرگسیان، ع. (۱۳۹۳). مطالعات شهروندی: رویکرد شهروندمدار به مدیریت دولتی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- نوری قاسم‌آبادی، ر. (۱۳۷۷). «ارتباطات و پیوندهای اجتماعی ضامن سلامت فرد در جامعه»، نشریه کار و کارگر.
- نیک‌پرور، ر (۱۳۸۳). آشنایی با برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، تهران: انتشارات امور فرهنگی سازمان بهزیستی کشور.
- هاشمی، ا (۱۳۸۹)، بررسی میزان استفاده از مفاهیم تربیت شهروندی در محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی از دیدگاه دبیران، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال چهارم، شماره ۱، بهار، صص ۱۶۰-۱۴۱.

منابع لاتین

- Carroll, A., & Shabana, K. (2010). The business case for corporate social responsibility: A review of concepts, researches and practice. *International Journal of Management Reviews*
- Husted, B.W. (2003), Governance choices for corporate social responsibility: to contribute, collaborate or internalize?, *Long Range Planning*, Vol.36, No.5, pp.481-498.
- Kama, J., Hansen, E., & Justin, H. (2003). Social responsibility in environmental marketing planning. *European Journal of Marketing*, 37 5/6. 848, 871.
- Pierson, C (1996). *the Modern State*, Routledge, London
- Skouloudis, A., Evangelinos, K., and Nikolaou, I. (2011), An overview of corporate social responsibility in Greece: perceptions, developments and barriers to overcome, *Business Ethics: A European Review*, Vol.20, No.2, pp.205-226.
- Turker, D. (2015). An Analysis of Corporate Social Responsibility in the Turkish Business Context. In *Corporate Social Responsibility in Europe* (pp. 483-499). Springer International Publishing
- Turner, B. (1986). *Citizenship and capitalism. The debate over reformism*. London: Allen & Unwin.
- Turner, B.S. (2001). Outline of a General Theory of Cultural Citizenship, in Nick Stevenson, *Culture and Citizenship*, London, Sage Publication.


- UNESCO, International Bureau of Education. (1999). Educational Innovation and Information. Geneva: IBE. http://www.ibe.unesco.org/fileadmin/user_upload/Publications.
- World Health Organization. (2004). Life Skill Based Education for Drug use Prevention Training Manuel 290, available at: <http>
- Boubakary, D. (2016). The influence of the implementation of CSR on business strategy: An empirical approach based on Cameroonian enterprises, Arab Economic and Business Journal, 2, 162-171.

Investigation the effect of cultural factors on Islamic citizenship behavior in Tehran

Mohsen Naebi^{1*}

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>eISSN: 2008-9775 pISSN: 2783-4565</p> <p>Keywords: culture, cultural factors, Islamic citizenship behavior</p>	<p>The aim of the current applied, descriptive and correlational study was to investigate effect of cultural factors on Islamic citizenship behavior in Tehran. The research population comprised 2500 students of the Tehran out of whom a sample 400 was randomly selected, based on Morgan Table, to participate in the study. The research data were collected using a researcher-made five-point level Likert scale questionnaire comprising 6 factors and 29 items tapping the participants' responses were. Therefore, 308 questionnaires were distributed among members of the target population. Having distributed and collected the questionnaires, we analyzed descriptively and inferentially. Descriptively, features like absolute and relative frequency, mean, standard deviation and variance of background and main variables were estimated. Inferentially, correlational tests, multiple regression and F-Test used indicated that cultural factors had a significant effect on Islamic citizenship behavior in Tehran.</p>

Please cite this article as: Naebi, M. (2023). Investigation the effect of cultural factors on Islamic citizenship behavior in Tehran. *Behavioral Studies in Management*, 13(32), 42-62.

	Creative Commons: CC BY 4.0	
Publisher: Islamic Azad University North Tehran Branch		
* Corresponding Author: Mohsen Naebi		Email: vahid.h1996@gmail.com

1. Department Management, central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran